

آینه های روبه‌رو

اکسپر سیونیسم انتزاعی در آثار مولوی

فاطمه مصدری

■ در توصیف مولانا جلال‌الدین رومی سخن فراوان رفته است. اینکه او پس از سال‌ها تدریس عرفان و معانی به ناگه با شمس تبریزی ملاقات می‌کند و شیفته او می‌شود و سودای درس و وعظ را به هوای ارادت به شمس وامی‌نهد و جان همه عشق به لایزال می‌شود. شمس را این‌ه تمامد تمسک به آن ذات لاینتاهی می‌یابد. اینچنین به شعر و ترانه و دف و سماع روی می‌آورد و از آن زمان طبعش در شاعری شکوفا می‌شود و به سرودن اشعار عرفانی می‌پردازد.

اما نویسنده این سطور قصد ارائهٔ زندگینامه یا تارپنجه‌ای از مولانا ندارد. بلکه بر آن است تا به جنبه‌های یونیتی که مولوی با شعر خود وارد ادبیات پارسی می‌کند، بپردازد. در واقع فارغ از افسانه‌ها یا داستان‌هایی که درباره سماع مولانا در هنگام سرودن اشعارش بیان می‌شود و اینکه این مطلب تا چه حد صحت داشته باشد، مولوی به درستی پایه‌گذار یک نوع عرفان جدید بوده است. او با شعرهایش به نوعی از هم‌گسستگی و خلسه عارفانه معنی می‌دهد که اگر نه خود هنگام سرودن‌شان این‌گونه بوده اما بانی و پایه‌گذار سماع عارفانه نسل‌های بعد از خود شده است. مولوی به نوعی به فارغ کردن کلام از وزن می‌پردازد. در واقع مولوی نسبت به زمان خود بسیار مدرن و جلوتر بوده است. او را می‌توان یک حکیم، ادیب و شاعر آوانگارد قلمداد کرد. او خود را به قید پیچیدگی‌ها و درهم‌تنیدگی‌های کلامی می‌رهاند و با نوعی بی‌وزنی در سرودن شعر دست می‌یابد.به طور مثال برخلاف شاعری مانند حافظ که در اشعار خود به تطبیف کلام می‌پردازد و آن را چه در بیان، چه در لحن، چه در انتخاب واژه‌هایی برای مخاطب خود لطیف و سره و شاعرانه می‌کند مولوی به نوعی «شدنمعر» روی می‌آورد و از تطبیف کردن بیان حذر می‌کند. درست به همین دلیل است که اشعار حافظ حتی برای مخاطب عام شیرین جلوه می‌کند و خواندن آن دوست‌داشتنی و خوش‌آمد می‌نماید. درحالی که اشعار مولوی برای مخاطب عام و حتی چه برای مخاطب خاص سنگین و ثقیل می‌کند. شما بسیاری از مردم را می‌بینید که چه با سواد، ندیده و چه علمی و حتی بی‌سواد حداقل چند بیت از دیوان حافظ را از برمی‌دانند و بر زبان می‌رانند. اما اشعار مولوی سنگین و ناآسان به نظر می‌آیند و نزد مردم چه بسا قشر تحصیلکرده و با دانش کمتر کسی را می‌بینید که بتواند اشعار مولوی را از بر بخواند. این به همان سره یا پاسکاری سخن باز می‌گردد که حافظ در شعر خود به نیکی آن را انجام می‌دهد و مولوی برعکس به تعمد آن از سربرپنجی می‌کند تا به آنچه که می‌خواهد یعنی رهایی از غل و زنجیر کلام و نزدیکی به معنی و مفهوم دست یابد. این به ویژگی خاص بودن اشعار مولوی می‌آفراید. کلام مولوی درشت، ثقیل و بی‌وزن است. مولوی بسیار آگاهانه به مبارزه با وزن کلامی می‌رود و شعر را وارد یک پرسوزه «نعرزدایی» می‌کند. درست مانند تکه گلی که مجسمه‌ساز

آن را روی سینی مجسمه‌سازی می‌گذارد تا با پرداختن به آن شکلی نو بیافریند. اگر شعر را همچون همان قطعه گل در نظر بگیریم شاعری چون حافظ آن را بسیار باذقت و ظرافت با سرانگشتانی به ظرافت سرانگشتان یک زن می‌پروراند و از آن صورتی بسیار زیبا همچون آفرودیت پراکسی تس (Aphrodite of pratikeles) می‌آفریند اما مولوی قطعا بسیار آگاهانه و باهوشمندی خاصی از پروراندن آن قطعه گل طفره می‌رود و آن را به درشتی و زمختی اولیه باقی می‌گذارد. او از حداقل حرکت کاردک یا انگشتش برای شکل دادن به قطعه گل حذر می‌کند و به این ترتیب حاصل کار او یک انتزاع هندسی به دور از هرگونه پیچیدگی یا ظریف‌پردازی کلامی است. همانند آثار نقاشان کوبیسم و انتزاعی که هرچه بیشتر به اشکال هندسی و ریاضی‌گونه شبیه بوده و به اصل ماهوی ششی با شکل وفادار است. شعر مولوی نیز به اصل ماهوی کلام و اثر هندسی‌گونه آن وفادار باقی می‌ماند. در واقع اگر بتوان کار حافظ را در شعرسرایي به کار لونزاد و لادوینچ در نقاشی و مجسمه‌سازی تشبیه کرد بدون شک مولوی را می‌توان به میل آنز تشبیه کرد. امروزه میکِل آنژ، نقلش و مجسمه‌ساز ایتالیایی قرن ۱۵ و ۱۶ میلادی به عنوان پدر کوبیسم و هنر مدرن شناخته می‌شود. چراکه وی اولین دقت به جز،پردازی و ظریف‌نگاری پرداخته می‌شد به صورت تعددی از هر نوع جزنگری سرپنجی می‌کند و برای اولین‌بار رد زمخت کاردک را روی اثر معروف خود «بارگه دافره» (پیه تارناتینسی (۱۵۶۴م) باقی می‌گذارد و به این ترتیب نام خود را به عنوان پایه‌گذار انتزاع و سوادگرایی در هنرهای تجسمی ثبت می‌کند. در واقع همچون میکِل آنژ که پدر نقاشی و هنرهای تجسمی مدرن به شمار می‌آید، مولوی را می‌توان پدر شعر مدرن یا هنر شعر نو به پارسی به‌شمار آورد چراکه وی برای اولین بار در قرن هفتم می‌خود را از قید وزن و قافیه می‌رهاند.و به زیباسازی کلام و فرمالیسم ادبی اهمیت چندانی نمی‌دهد و از جزنگری به کل‌نگری و از صورت به معنی روی می‌آورد. و به راستی بیهوده نیست اگر همان‌گونه که میکِل آنژ را به عنوان پدر هنرهای تجسمی مدرن بدانیم مولوی و شعر و فلسفه او را نیز پایه‌بخش بسیاری از هنرمندان جسمی قرن بیستم و دوره مدرن بشناسیم. برای مثال می‌دانیم که نقاشان جنبش اکسپرسیونیسیم انتزاعی همچون هنری ماتیس و جکسون پولاک همواره به الهام‌پذیری از عرفان شرقی، انالک داشتند.تند. جالب است که هنرمندی مانند جکسون پولاک حتی قابل به نوعی کشش گری یا کینتینگ (Acting) در خلق اثر بوده به این معنا که هنگام نقاشی با حرکات سریع و خلسه‌وار بدنی به نوعی از خود بی‌خودی عارفانه مانند سماع عارفانه مولوی روی می‌آورده و در این از خود بی‌خودی آثار ماندگار خود را خلق می‌کرده است. بنابراین باید گفت آگاهانه یا ناآگاهانه هنرمندان این جنبش در لرنش آثار خود به روش خلق شاعرانه مولوی شباهت دارند چراکه مولانا نیز هنگام سرودن اشعار خود به نوعی از تمرکز، خلسه و حرکات عارفانه کشش گزوار بهره می‌برده است و به این‌گونه پایه‌گذار عرفان جدیدی در شعرسرایي بوده است که بعدها امثال جکسون پولاک و دیگر هنرمندان شیوه انتزاعی به طور آگاهانه یا ناخودآگاه از شیوه عرفان شرقی او در خلق آثار خویش بهره جسته‌اند.



علی‌اصغر سیدآبادی

چند سال پیش، اختلاف‌هایی میان ناشران و معاون وقت وزارت ارشاد درباره برگزاری نمایشگاه کتاب بروز کرده بود. بیشتر ناشران مخالف برگزاری نمایشگاه در محل فعلی بودند و گروهی از آنان بیانیه‌ای نوشته و گفته بودند در صورت تغییر مکان نمایشگاه، در آن شرکت نخواهند کرد. نام گروهی از بهترین و باسابقه‌ترین ناشران ایران در پای این بیانیه بود، اما مدیریت وقت وزارت ارشاد کاری به این نامه نداشت و کار خود را پیش می‌برد.

یکی از روزنامه‌های اصلاح‌طلب گزارشی درباره اختلاف‌های ناشران و مدیران وقت وزارت ارشاد کار کرده بود و در آن گزارش از آدم‌های مختلفی پرسیده بودند، که اگر نمایشگاه بروند به غرفه کدام ناشر حتما سرخواهند زد؟ تعداد قابل توجهی از پاسخ‌دهندگان، از نویسندگان و چهره‌های فرهنگی اصولگرا و از نظر فکری به وزارت ارشاد وقت نزدیک بودند، اما نتیجه حاصل این

بود که حتی آنان نیز ترجیح می‌دادند سیراغ ناشرانی بروند که نام‌شان در آن بیانیه بود. البته خیلی از آنان احتمالا خبری از ماجرای بیانیه نداشتند و صرفا از نظر خودشان مهم‌ترین ناشران کشور را نام برده بودند و از قضا بیشتر، این مهم‌ترین ناشران کشور مخالف تصمیم وزارت ارشاد درباره بزرگ‌ترین پدیده مرتبط با خودشان یعنی نمایشگاه بودند. یکی از ناشرانی که بسیاری از پاسخ‌دهندگان اعلام کرده بودند، حتما به غرفه‌اش سر خواهند زد، نشر «چشمه» بود. نشر چشمه و چند ناشر دیگر فارغ از اینکه ما با کارنامه‌اش موافق باشیم یا نه و فارغ از اینکه ما با مواضع مدیرش موافق باشیم یا نه و فارغ از اینکه ما کتاب‌هایش را پس‌ندیم یا نپسندیم، یکی از مهم‌ترین ناشران کشور است و این تنها نظر موافقان یا علاقه‌مندان این موسسه نیست.

حالا در خبرها آمده است که این ناشر از شرکت در

محرومیت برای دوستداران کتاب

نمایشگاه محروم شده است. این خبر پس از آن اعلام شد که ظاهرا با واسطت اتحادیه ناشران قرار شده بود، مشکلاتی که برای چند ناشر پیش آمده است، به نحوی در آستانه نمایشگاه حل و فصل شود. محرومیت نشر چشمه از شرکت در نمایشگاه، احتمالا برای آن موسسه زیان مالی به بار خواهد آورد و در مسیر فعالیت‌های بعدی‌اش – اگر امکان فعالیت داشته باشد– خلل ایجاد خواهد کرد، اما برای کسانی که برای آگاهی از وضعیت بازار کتاب ایران و خرید کتاب‌های مورد علاقه‌شان به نمایشگاه می‌روند و دوست دارند، بیشتر کتاب‌های مورد علاقه‌شان را یک‌جا ببینند و برای خود نمایشگاه و برگزار کنندگان‌ش محرومیت بزرگ‌تری است. فکر نمی‌کنم به نفع مدیران فعلی نمایشگاه باشد که در نمایشگاهی که برگزار می‌کنند یکی از باسابقه‌ترین ناشران ایران حضور نداشته باشد. حتی اگر در این

بن‌بست سینمای کودک و نوجوان ایران



است: «شما جدیدترین فیلمنامه مرا به نام «تنهایی دریا» متوقف کردید و به آن پروانه ساخت ندادید، البته به دلایلی که هرگز نگفتید اما احتمالا چیزی جز نگاه یک‌سویه شما و همکاران تان در وزارت ارشاد نیست. امیدوارم چنین نباشد و بنده اشتباه کرده باشم. سابقه سال‌ها فعالیت من در سینمای ایران گواه آن است که همواره آثاری را

خلق کرده‌ام که بیناگر مسایل انسانی و عاطفی کودکان و نوجوانان و جوانان این سرزمین بوده است و هرگز دیدگاه سیاسی خاصی را در فیلم‌هایم دنبال نکرده‌ام.» محمدعلی طالبی با بیان اینکه گویا این‌گونه فیلم‌ها نیز تحمل نمی‌شوند و بدین طریق دایره فعالیت تنگ‌تر شده و در نتیجه تنها یک خط‌مشی کاری برای اهالی سینما باقی

هری پاتر نویسنده می‌شود



«دنیل راد‌کلیف»، بازیگر سری فیلم‌های پرفروش «هری پاتر» که قصد دارد پا چا پای «جی.کی.رولینگ» بگذارد و رمان بنویسد، گفته است: من واقعا می‌خواهم در آینده به‌طور حرفه‌ای به نویسندگی بپردازم. اکنون در حال تلاش برای نوشتن هشتم، نمی‌دانم کارم خیلی خوب است یا نه.

جوابیه

توضیح نشر چشمه

■ شرق:
در پی انتشار خبر ممنوعیت حضور نشر چشمه در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران به نقل قول از قائم مقام این نمایشگاه، روابط عمومی نشر چشمه توضیحاتی را در این خصوص ارسال کرده است:

با وجود اعلام چندباره خبر موافقت حضور نشر چشمه در بیست و پنجمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران از سوی معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، روز شنبه مورخ ۱۳۹۱/۲/۲ چند خبرگزاری به نقل از جناب آقای داریوش رضوانی، قائم‌مقام محترم این نمایشگاه خبری را منعکس نمودند که دلالت بر ممنوعیت این حضور داشت.

از آنجایی که یکی از این خبر‌گزاری‌ها دلیل این ممانعت را صدور «حکم قضایی» برای نشر چشمه عنوان نموده و این خبر نادرستی می‌تواند موجب ایجاد شبهه در اذهان عمومی شود، بدین وسیله به اطلاع می‌رساند که در طول نزدیک به سه دهه فعالیت این انتشاراتی، کلیه کتاب‌های منتشرشده نشر چشمه با مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

و با رعایت قوانین و مصوبه‌های جاری بوده است. شایان ذکر است که تاکنون هیچ پرونده‌ای علیه نشر چشمه در هیچ‌یک از محاکم قضایی کشور تشکیل نشده و هیچ حکمی هم صادر نگردیده است.

روابط عمومی نشر چشمه
۱۳۹۱/۲/۲

هفت هنر

بازسازی اداره تئاتر شاید وقتی دیگر

■ شرق:
ظاهرا پرونده بازسازی خانه نمایش و اداره ۴۰ و چندساله تئاتر نیز در حال پیوستن به مشمول مرور زمان و بازسازی است و این اداره قدیمی شاید وقتی دیگر بار دیگر در اختیار تئاتری‌ها قرار بگیرد. زمستان ۸۹ بود که زم‌مهای تعطیلی اداره تئاتر به بهانه بازسازی ساختمان مطرح شد. در نهایت نیز ابتدای سال ۹۰ این ساختمان تخلیه شد و قرار شد طرف چندمه بازسازی آغاز شود. یکی، دو هفته بعد از تعطیلی اداره تئاتر که گروه‌های تئاتری را دچار دردرس کرده بود، دفتر طرح‌های عمرانی وزارت ارشاد به عنوان ناظر بازسازی اعلام کرد به دلیل مشکلات سازه، این ساختمان باید تخریب و ساختمان تازه‌ای جایگزین شود. اما حالا بعد از گذشت بیش از ۹ ماه از تعطیلی کامل اداره تئاتر مدیر اداره تئاتر و خانه نمایش می‌گویند: «همچنان هیچ اقدامی برای بازسازی انجام نشده است.» «هریم معترف» که با فارس صحبت کرده است با اعلام این خبر گفته است: «پس از تخلیه ساختمان اداره تئاتر و خانه نمایش قرار بود مالک ساختمان کناری ملک خود را بفروشد تا این دو ساختمان با یکدیگر ادغام و ساختمان جدیدی ساخته شود اما متأسفانه مالک این ملک از فروش آن با وجود تأمین بودجه منصرف شد. بنابراین قرار شد ساختمان اداره تئاتر بازسازی شود، با شهردا منطقه نیز در این رابطه رایزنی‌هایی انجام شد اما هنوز جوابی داده نشده است، زیرا من به طور مستقیم نمی‌توانم پیگیری کنم و در واقع معاونت هنری باید این موضوع را دنبال کند.» و با اشاره به اینکه ساختمان اداره تئاتر ۹ ماه است که تخلیه شده گفته است: امیدوارم هرچه زودتر این کار به نتیجه برسد زیرا حدود ۹ ماه است که اداره تئاتر تخلیه کامل شده و هنوز هیچ اقدامی صورت نگرفته است. در این فرصت می‌شد کار اساسی برای اثر ساختمان انجام داد. معترف به کمبود پلاتو تمرین و میزبانی جشنواره‌های مختلف در اداره تئاتر اشاره کرد و گفت: می‌توان سالن‌های تمرین استاندارد و یک خانه‌نمایشی ساخت که حداقل ۱۰۰ نفر گنجایش داشته باشد اما متأسفانه در این ۹ ماه زمان به هدر رفته است. مقدری از دیوارهای ساختمان اصلی اداره تئاتر را برداشتند که نیازمند مجوز شهردا منطقه بود، قرار شد اسناد ساختمان به شهرداری ارسال شود که در این قسمت ناهماهنگی وجود دارد. در حال حاضر یک ساختمان استیجاری که به‌نظر می‌رسد قبلا متعلق به مدرسه‌ای بوده در منطقه شش در اختیار اداره تئاتر و خانه‌نمایش است که گروه‌های تئاتری در آن تمرین می‌کنند. ساختمانی که فاقد امکانات لازم برای اسکان گروه‌های تئاتری است. اداره برنامه‌های تئاتر در سال ۱۳۳۶ بسا عنوان «داره هنرهای دراماتیک» و با ریاست دکتر مهدی فروغ، در حد فاصل میدان بهارستان و چهارراه مخابراتدوله تأسیس شد و استاد «جمشید شایخی»، بازیگر پیشکسوت تئاتر، سینما و تلویزیون به عنوان نخستین کارمند هنرمند این اداره به استخدام آن درآمد. اداره هنرهای دراماتیک در سال ۱۳۴۷ به خیابان پارس که محل قبلی این اداره محسوب می‌شود انتقال پیدا کرد.

دور ایران

صدای هدیه تهرانی در تئاتر

■ ایستنا:
به‌رمانا که نمایش «این باستان فراموش کردم» (با باپیشگی هدیه تهرانی به صحنه می‌برد، می‌گویند: «این نمایش براساس دو داستان از کتاب جدیدم اجرا می‌شود و مضمون اصلی آن عشق و فراموشی است.» نسیم ادبی و شبنم فرشادجو به همراه صدای هدیه تهرانی در این نمایش بازی می‌کنند.

تصمیم هیچ اشتباهی از سوی مدیران فعلی رخ نداده باشد، باز هم محرومیتی که نصیب مخاطبان نمایشگاه و مدیریت نمایشگاه می‌شود، از محرومیتی که بر نشر چشمه تحمیل می‌شود، بزرگ‌تر است.

نکته جالب‌تر این است که نشر چشمه و هر ناشر دیگری کتاب‌هایی در نمایشگاه ارائه خواهد کرد که در دوره مدیریت جدید معاونت فرهنگی مجوز گرفته باشد، یعنی طبق مقررات نمایشگاه، ناشر حتی کتاب‌هایی را که در دوره‌های گذشته مجوز گرفته و منتشر کرده است، نمی‌تواند در نمایشگاه عرضه کند. به عبارتی نشر چشمه و دیگر ناشران محروم شده– به فرض پذیرش همه بحث‌های مدیران وزارت ارشاد یا نهادهای دیگر که در این ماجرا نقشی دارند– تنها با کتاب‌هایی در نمایشگاه شرکت می‌کنند که از فیلترهای نظارتی همین مدیران گذشته است و جای هیچ نگرانی نباید برای‌شان وجود داشته باشد.

امیدواریم با بازنگری در این تصمیم، هم به رفغ نگرانی ناشران کمک شود، هم بر محرومیت دوستداران کتاب پایان داده شود و هم نمایشگاه رونق بیشتری بگیرد.

می‌ماند، در ادامه ناعلم‌اش خطاب به سجادیور نوشته است: «زمان خیلی سریع می‌گذرد و شما و دوستانان نیز به سرعت جایتان را به مدیران دیگری می‌دهید، امیدوارم آنچه که از شما می‌ماند نامی نیک باشد. اگر در آینده هنرمندان بسیاری بگویند که شما سواره تفکر و خلق آثارشان بوده‌اید، آیا این افتخاری برای شما یا حتی فرزندانتان خواهد بود؟» او ابراز امیدواری کرده است: «توجه داشته باشید هنگامی که به‌سادگی خط رد بر این‌گونه آثار می‌کشید و آنها را در مرحله آغاز تولید متوقف می‌کنید چه ضربه جبران‌ناپذیری به فرهنگ و هنر این سرزمین می‌زنید، آثاری که هریک می‌توانند جایگاه رفیعی در سینمای والای کشور داشته باشند.» در این میان سجادیور با نگاهی متفاوت از یک مدیر پاسخگو به ایسنا درباره دلایل این اتفاق گفته است: «این پاسخ و دلایل آن توسط دبیر شورا به آقای طالبی منتقل شده یا خواهد شد. شورای پروانه ساخت، فیلمنامه ایشان را بررسی کرده و پاسخ منفی داده است که این پاسخ توسط دبیر شورا به ایشان منتقل شده یا خواهد شد. این درخواست دو یا سه هفته قبل به شورای پروانه ساخت، رسید و اعضای شورا در کمترین زمان ممکن آن را بررسی کردند، در هر صورت شورای پروانه ساخت درباره صدور مجوز این فیلمنامه پاسخ منفی داد.»

در این مدت طالبی دو فیلمنامه «سب سفید» و «یک ذره امید» را به فارابی ارائه می‌دهد اما هیچ جوابی دریافت نکرده است، با توجه به اینکه امکان ثبت فیلمنامه‌ها هم بعد از منحل شدن خانه سینما از سینماگران و مولفان گرفته شده است.

قربانی «هم‌آواز پرستوهای آه» می‌شود



شرق:
جدیدترین آلبوم علیرضا قربانی با عنوان «هم‌آواز پرستوهای آه» با دریافت مجوز انتشار وارد بازار می‌شود. این آلبوم در ۱۲ قطعه و با آهنگسازی سیاوش ولی‌پور، با اشعاری از مهدی اخوان ثالث ساخته شده است. آخرین آلبوم قربانی که کاری مشترک از او و گروه تنبور شمس با عنوان برسماع تنبور بود پیش از تیزور منتشر شد.

حراج پر تره‌های ناصرالدین شاه و نادرشاه در لندن

شرق:
موسسه کریستیز در حالی روز جمعه ۲۶ آوریل (هشتم اردیبهشت ماه) ۲۳۲ اثر هنری اسلامی و ایرانی را در لندن به حراج می‌گذارد که ۹۰ اثر هنری ایرانی مربوط به سده‌های گذشته در این رویداد، نقاشی صحنه‌های زمینی و گل‌ومرغ دست داشته، قواعد طبیعت‌پردازی را رعایت می‌کرد، این هنرمند با تکنیک‌های رنگ‌روغن و آبرنگ به‌نحو شایسته‌ای کار می‌کرد. محمدحسن خان به غیر از تابلوی رنگ روغن شمایل ناصرالدین شاه که به سال ۱۲۷۶ ق. کشیده شده و زمانی بر دیوار چهل‌ستون نصب بوده، تصویر آبرنگ محمدخان قاجار را نیز در آثار خود دارد. تابلویی که نقاش‌پاش دربار قاجار از ناصرالدین‌شاه کشیده، با ارتفاعی حدود ۱۱۷ سانتی‌متر و عرض نزدیک به ۷۹ سانتی‌متر است. پرتره دیگری که در این حراج به فروش خواهد رفت، «سوارکاری سپهسالار» نام دارد که توسط اسماعیل جلایر از دیگر نقاشان دوره قاجار نقاشی شده. «وزانده کماتچه» نام پرتره دیگر از دوره قاجار است. این تابلو ۱۱۰ تا ۱۵۰ هزار دلار قیمت‌گذاری شده است. «ختر نشت» عنوان نقاشی دیگری مربوط به دوره قاجار است که ۳۱ تا ۴۵ هزار دلار قیمت‌گذاری شده است. یکی دیگر از پرتره‌های جناب این حراج، تصویری از نارشاه افشار است که ۳۱ تا ۴۵ هزار دلار قیمت‌گذاری شده و البته نام خالق این اثر مشخص نیست.

دو وجه تمایز این دوره این خواهد بود که طی چهار سال و به صورت کلاما عمیق و بنیادین به آموزش خواهد پرداخت در صورتی که در کارگاه‌های هنری در اغلب موارد با بازدهای زمانی محدودتر برگزار می‌شود ولی در این دوره این‌گونه نخواهد بود به عنوان مثال پایان‌نامه‌ای که هنرآموزان باید در انتهای دوره ارائه دهند یک فیلم سینمایی است که با استانداردهای هنری سازگار باشد.

بله، این حمایت‌ها کاملا تعریف شده است و در طی هر مرحله از دوره به فراخور نیاز، سازمان پشتیبانی مالی برای تأمین نیاز انجام پروژه‌های عملی صورت خواهد داد.

ایلمن:
یکی از انتقاداتی که همواره از سوی دلسوزان نظام به عرصه هنر کشور وارد می‌شود، عدم تطبیق درخور این زمینه فرهنگی با آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی است که همین موضوع باعث شده تا حدودی ظرفیت‌های گفتمانی انقلاب باقی‌مانده فعال نشده و در واقع آن حدی از پیشرفت آرمانی در عرصه فرهنگ که مورد انتظار است برآورد نشود. برای بر کردن این خلأ سازمان بسیج هنرمندان کشور تشکیل شد و در طول دوره کوتاه عمر خود تلاش کرد تا با پیاده‌سازی برنامه‌های مختلف گامی در جهت اجرای تعالی هنر ایران بردارد. جدیدترین اقدام سازمان بسیج هنرمندان، برگزاری اولین دوره آموزشی تربیت هنرمندان متعدد و متخصص است که در رشته‌های نویسندگی و کارگردانی برگزار می‌شود.

گفت‌وگوی «صراه‌یادالهی» معاون تربیت و آموزش بسیج هنرمندان درباره کم و کیف این دوره است.

تفاوت این دوره با کلاس‌هایی که مراکز آموزشی مختلف

اعم از دانشگاه‌ها و آموزشگاه‌های هنری برگزار می‌کنند، چیست؟

چند تفاوت عمده در این دوره وجود خواهد داشت. اولین

ویژگی این است که ما این کار را فقط برای هنرمندان بسیجی انجام می‌دهیم. مطلب دیگر این است که ورود به دوره گزینشی

گزارش تصویری

علی فرامرزی نقاش مطرح ایرانی از ۲ تا ۱۴ ژوئن (۱۳ تا ۲۵ خرداد) آثارش را در گالری سیجون لس آنجلس به نمایش می‌گذارد.
این نمایشگاه شامل ۱۴ اثر از نقاشی‌های رنگ روغن و اکریک فرامرزی است.
نقاشی‌های فرامرزی بر مدها سه محور اصلی طبیعت، شهر و انسان متمرکزد.
این نقاش می‌خواهد در همه حال به محتوای احساسی و حقیقت پنهان در پس ظاهر فرم‌ها و عناصر طبیعت و انسان نزدیک شود و همان حقیقت را هم بنمایاند.



آرت دبلی:
برای اولین بار مجموعه‌ای شامل ۴۴ اثر از استادان مکتب رنسانس و باروک از گالری اوفیتسی (Uffizi) فلورانس ایتالیا، در موزه هنر برکزار شد. در این مجموعه آثاری از نقاشان مشهوری چون ساندرو بوتیچلی، پارمیچیانو، لورنزو متاکو، کریستوفانو اگوری به مدت دوامه به نمایش درمی‌آید.
گالری اوفیتسی از قدیمی‌ترین و معروف‌ترین موزه‌های نقاشی دنیا است. این گالری در سال ۱۵۶۰ توسط مورخ و هنرمند بزرگ ایتالیایی جورجو واساری طراحی شده است.